

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب به اشعری خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر قرآن؛ تفسیر برخی آیات قرآن
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبران

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: عبد الله صمدی

تاریخ: ۱۴۰۰/۴/۲۸

لطفاً بفرمایید که منظور از «سرزمین مورچگان» در آیهی ۱۸ سورهی نمل کجاست؟ همچنین، در آیات ۱۸ و ۱۹ سورهی نمل و داستان به ظاهر سادهی آنها، چه حکمت و پیامی نهفته است که نام سوره از آنها گرفته شده است؟ و در ادامه بفرمایید که دلیل برخورد تهدیدآمیز حضرت سلیمان در آیهی ۲۱ با پرندهی باهوش و دانایی که در آیات ۲۴، ۲۵ و ۲۶ خداوند را همانند مؤمنان واقعی توصیف می کند چه بوده است؟ از آیهی ۲۷ نیز چنین دانسته می شود که حضرت سلیمان یا شناختی نسبت به این پرنده نداشته و یا هدهد سابقه‌ی خوبی در راستگویی نداشته است. خداوند همه‌ی ما را برای یاری خلیفه‌اش حفظ فرماید.

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۰/۵/۵

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. «وَإِذِ النَّمْلُ» در آیهی ۱۸ سورهی نمل، به معنای منطقه‌ای است که در آن به سبب نوع خاک و مواد غذایی اش، مورچه‌ی بسیاری وجود دارد.

۲. در آیات ۱۸ و ۱۹ سورهی نمل آمده است: «حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۖ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأُدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ»؛ «تا آن گاه که (سلیمان و لشکریانش) به وادی مورچه‌ها رسیدند، پس مورچه‌ای گفت: ای مورچه‌ها! به لانه‌های خود داخل شوید تا سلیمان و لشکریانش شما را له نکنند در حالی که متوجه نیستند! پس (سلیمان) از سخن او خنده‌اش گرفت و گفت: پروردگارا! من را برانگیز تا نعمتی که به من و پدر و مادرم داده‌ای را شکر گزارم و کار خوبی که می‌پسندی را

انجام دهم و من را به رحمت خود در زمره‌ی بندگان صالحت داخل کن». در این داستان که به نظر شما ساده رسیده، نکات بسیاری نهفته است؛ از جمله بیان نعمت خداوند به سلیمان که حتی زبان کوچک‌ترین حیوانات را فهم می‌کرد و بیان اینکه حتی حیوانات بسیار کوچک، دارای ادراکات، احساسات و روابطی شبیه به مردم هستند و نسبت به هم‌نوعان خود دلسوزی و خیرخواهی دارند و جالب‌تر آنکه امام زمان خود را با نام می‌شناسند و بیان اینکه باید برای جان و سلامت کوچک‌ترین حیوانات نیز ارزش قائل بود و از آزدن آن‌ها بدون ضرورت خودداری نمود و بیان اینکه خداوند خلیفه‌ی خود را حتی از ظلم به مورچه‌ای حفظ می‌فرماید، چه رسد به انسان‌ها و بیان اینکه شادمانی و خنده به خاطر برخورداری از نعمت خداوند اشکالی ندارد، ولی باید با یاد خداوند و شکر او همراه باشد و بیان اینکه انسان نه تنها باید نعمت خداوند به خود را شکر گزارد، بلکه باید شکرگزار نعمت او به پدر و مادرش نیز باشد و نکات دیگری که هر یک بسیار مهم و مفید محسوب می‌شود.

۳. بدون شک سلیمان هدهد را می‌شناخت و از هوش و توانایی او آگاهی داشت و به همین دلیل، پست مهممی را به او سپرده بود، ولی طبعاً او را معصوم نمی‌دانست و از این رو، وقتی دید که او بدون اذن و هماهنگی قبلی، پست مهمم خود را ترک کرده است، بر او خشم گرفت و گفت که اگر برای غیبت خود عذر موجهی نداشته باشد، او را مجازات خواهد کرد؛ چنانکه در آیات ۲۰ و ۲۱ سوره‌ی نمل آمده است: ﴿وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ۚ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾؛ «و (سلیمان) پرنده‌گان را سرکشی کرد، پس گفت: چرا هدهد را نمی‌بینم یا او از غایبان است؟! حتماً او را مجازاتی سخت می‌کنم یا او را ذبح می‌نمایم مگر اینکه برایم عذر موجهی بیاورد». ممکن است پست هدهد، پستی مانند نگهبانی یا مرزبانی یا خبر آوردن از تحرکات نظامی دشمن بوده باشد که اهمیت فراوانی داشته و ترک کردن آن می‌توانسته است جان مردم و کیان حکومت اسلامی را به خطر بیندازد و از این جهت، هرگاه با عذری موجه نبوده باشد، شایسته‌ی مجازاتی سخت بوده است؛ زیرا مسلم است که سلیمان، پیامبری معصوم بوده و علاوه بر این، در کتاب خداوند به قضاوت صحیح و عادلانه ستایش شده و با این اوصاف، نمی‌توانسته است برای چیزی بی‌اهمیت خشمگین شود و مجازاتی سخت در نظر بگیرد.

۴. در آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی نمل آمده است: ﴿قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾؛ «(سلیمان به هدهد) گفت: بررسی خواهیم کرد که آیا راست گفته‌ای یا از دروغگویان بوده‌ای» و این دلیلی روشن بر عدم حجیت خبر واحد است، نه اینکه سلیمان هدهد را نمی‌شناخت، یا به دروغگویی می‌شناخت؛ زیرا از آیات پیشین دانسته شد که پست مهممی را به او سپرده بود، در حالی که سپردن پستی مهم به شخصی مجهول الحال یا معروف به دروغگویی، حکیمانه نیست.

و از پیامبری مانند سلیمان که کمبود نیرویی هم نداشت سر نمی‌زند. بنابراین، شکی نیست که هدهد در پیشگاه سلیمان شخصی عادل و قابل اعتماد بوده است؛ خصوصاً با توجه به سخنان سنجیده و عالمانه‌ی او در باب توحید و اهتمام بسیارش به هدایت مردم در آیات ۲۴، ۲۵ و ۲۶ که گواهی آشکار بر کمال عقل و حُسن حال او بوده است و با این وصف، تأکید سلیمان بر ضرورت تحقیق و بررسی درباره‌ی خبر او، تنها می‌تواند دلیلی دیگر بر عدم حجّیت خبر واحد بدون قرینه‌ی علم‌آور باشد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمُنْصُورَ يَقُولُ: مَا كَانَ الْأَنْبِيَاءُ يَأْخُذُونَ بِخَبَرِ الْوَاحِدِ حَتَّى يَتَّبِعُوا، أَلَمْ تَرَ أَنَّ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا جَاءَهُ الْهُدْهُدُ مِنْ سَبَاً بَنِيَّ يَقِينٍ قَالَ: ﴿سَنَنْظُرُ أَصْدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾؟ فَمَنْ أَحَدٌ بِخَبَرِ الْوَاحِدِ دُونَ تَبَيُّنٍ فَقَدْ خَالَفَ الْأَنْبِيَاءَ»؛ «شنیدم منصور می‌فرماید: پیامبران به خبر واحد عمل نمی‌کردند تا آن گاه که تحقیق کنند، آیا ندیدی که سلیمان علیه السلام، وقتی هدهد برایش خبری معتبر از سبا آورد، گفت: <بررسی خواهیم کرد که آیا راست گفته‌ای یا از دروغگویان بوده‌ای؟> پس هر کس بدون تحقیق به خبر واحد عمل کند، بر خلاف پیامبران عمل کرده است».

برای آگاهی بیشتر درباره‌ی عدم حجّیت خبر واحد بدون قرینه‌ی علم‌آور، به کتاب «بازگشت به اسلام» مبحث «حدیث‌گرایی» و نقد و بررسی ۵۷ مراجعه کنید.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
مجله مجتهدان و حکماء پیشین



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه پیگیری توییتر

صفحه پیگیری اینستاگرام

صفحه کانال تلگرام

صفحه پیوسته فیس‌بوک

لینک سبک یوتیوب

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.